

پرسش ۱۸۱: آیهی (وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ....)

سؤال / ۱۸۱: ما معنی قوله تعالى: (وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا) [835]، (فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) [836]؟

معنای سخن حق تعالی چیست؟ (و او را از جانب راست کوه طور صدا زدیم و او را برای مناجات با خود، نزدیک کردیم.) [837] و (چون به آتش رسید از کناره‌ی راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا داده شد: ای موسی! منم خدای یکتا، پروردگار جهانیان). [838]

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

الشجرة هي: (الشجرة المباركة في القرآن)، وهي شجرة آل محمد (عليهم السلام)، وفروعها الأئمة والمهديون: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) [839].

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

درخت همان «درخت مبارک در قرآن» که درخت آل محمد (عليهم السلام) می باشد و شاخه هایش ائمه و مهديين هستند: (آیا ندیده‌ای خداوند چگونه مثلی زده است؟ سخنی پاک چون درختی پاک است که اصلش (ریشه‌اش) استوار و فرعش (تنه و شاخه‌هایش) در آسمان است). [840]

والطور الأيمن، والوادي الأيمن هو: اليماني (المهدي الأول من المهديين)، والبقعة المباركة هو: الحسين (عليه السلام)، فالكلام من الطور الوادي الأيمن، أي اليماني (المهدي الأول)، والوادي الأيمن الطور الأيمن من البقعة المباركة أي من الحسين، فالمهدي الأول (اليماني) من ولد الحسين؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي (عليه السلام)، والبقعة المباركة من الشجرة (أي محمد وعلي عليهما السلام)، فالحسين من محمد وعلي عليهما السلام.

طور أيمن و وادی أيمن عبارت است از یمانی (مهدی اول از مهدیین)، جایگاه مبارک: امام حسین (عليه السلام) است. سخن از طور وادی ایمن یعنی یمانی (مهدی اول)، و وادی ایمن طور ایمن از جایگاه مبارک یعنی از حسین، که مهدی اول (یمانی) از فرزندان حسین است؛ زیرا او از ذریه‌ی امام مهدی (عليه السلام) می‌باشد، و جایگاه مبارک از آن درخت یعنی از محمد و علی (عليهما السلام)، که حسین از محمد و علی (عليهما السلام) است.

عن الصادق (عليه السلام): ((شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ) الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفِرَاتُ (وَالْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ) هِيَ كَرْبَلَاءُ، وَالشَّجَرَةُ هِيَ مُحَمَّدٌ)) [841].

از امام صادق (عليه السلام) روایت شده است: «منظور از شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ (از کناره‌ی راست آن وادی) که خداوند در قرآن از آن یاد می‌کند، فرات است و الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ (بارگاه مبارک)، کربلا و «الشَّجَرَةُ» (درخت) محمد می‌باشد».

([842])

والفرات نهر من الجنة، واليماني أيضاً نهر من الجنة، تلقى فيه أعمال العباد كما ورد عن الصادق (عليه السلام): (الركن اليماني بابنا الذي يدخل منه الجنة، وفيه نهر من الجنة تلقى فيه أعمال العباد) [843].

فرات، نهري است از بهشت و یمانی هم نهري است از بهشت که اعمال بندگان در آن قرار می‌گیرد، همان طور که از امام صادق (عليه السلام) روایت شده است که فرمود:

«رکن یمانی درب ما است که از آن داخل بهشت شوند و در آن نهری است از بهشت که اعمال بندگان در آن افکنده می‌شود».[844]

و کربلاء هی الحسین (علیه السلام)، والشجرة هی محمد و علی علیهما السلام؛ لأنهما أبوا العترة. فالمکلم المباشر هو المهدي الأول (الیمانی): (وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا).

کربلا، حسین (علیه السلام) است، و درخت، محمد و علی (علیهم السلام) است؛ چرا که آن‌ها پدران عترت‌اند و آن کس که به طور مستقیم [با موسی (علیه السلام)] سخن گفت، مهدی اول (یمانی) بود: (وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا) (و او را از جانب راست کوه طور صدا زدیم و او را برای مناجات با خود، نزدیک کردیم).

وقائد المکلم هو علی بن ابي طالب (علیه السلام) (مِنَ الشَّجَرَةِ)؛ لأن الشجرة کلها علی بن ابي طالب (علیه السلام)، فهو أبو العترة، أما أصل الشجرة فهو محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

پیشوای سخن‌گوینده، علی بن ابی طالب (علیه السلام) (مِنَ الشَّجَرَةِ) (از درخت) بود؛ زیرا تمامی درخت علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود؛ چرا که او پدر عترت است، و اما اصل درخت، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد.

فمکلم موسی هو الله، ومکلم موسی هو محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ، وهو علی (علیه السلام)، ومکلم موسی هو المهدي الأول (الیمانی).

بنابراین کسی که با موسی سخن گفت خداوند بود، و سخن‌گوی موسی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، و حضرت علی (علیه السلام) است، و متکلم با موسی، مهدی اول (یمانی) بود.

وقد سماه أمير المؤمنين (عليه السلام) مَكْلَمَ موسى، وبيّن علامات ظهوره: (إذا صاح الناقوس، وكبس الكابوس، وتكلم الجاموس (الجاموس هو الجامد، والمراد هنا: الصامت الساكت [845])) فعند ذلك عجائب وأي عجائب إذا أنارت النار ببصرى، وظهرت الراية العثمانية بوادي سوداء، واضطربت البصرة وغلب بعضهم بعضا، وصبا كل قوم إلى قوم، وتحركت عساكر خراسان، ونبع شعيب بن صالح التميمي من بطن الطالقان، وبويع لسعيد السوسي بخوزستان، وعقدت الراية لعماليق كردان، وتغلبت العرب على بلاد الأرمن والسقلاّب، وأذعن هرقل بقسطنطينة لبطارقة سينان، فتوقعوا ظهور مَكْلَمَ موسى من الشجرة على الطور (وعلى الطور أي في النجف؛ لأن الطور نقل إلى وادي السلام كما روي عنهم عليهم السلام)، فيظهر هذا ظاهر مكشوف، ومعاین موصوف . . . ثم بكى صلوات الله عليه وقال: واها للأمم ...) [846].

اميرالمؤمنين (عليه السلام) او را متكلم با موسى نام برده و نشانه‌های ظهورش را برشمرده است: «هنگامی که ناقوس به صدا درآید و سایه‌ی شوم کابوس بر همه‌جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید (جاموس، جامد و بی‌جان است و در این‌جا منظور، ساکت و بی‌صدا می‌باشد [845]) در چنین زمانی، شگفتی‌ها پدید خواهد آمد و چه شگفتی‌هایی! وقتی که آتش شهر بصره را روشن کند و پرچم‌های عثمانی در وادی سودا ظاهر گردد، بصره آشوب شود و بعضی بر بعضی دیگر پیروز گردند و هر قومی بر قوم دیگر بتازد و لشکریان خراسان به جنبش درآیند و شعیب بن صالح تمیمی از مرکز طالقان قیام کند و در خوزستان با سعید سوسی بیعت شود و پرچمی برای استقلال کردها برافراشته گردد و عرب‌ها بر بلاد ارمنی‌ها و سیکلوب‌ها غالب شوند و هرقل در قسطنطنیه در برابر فرماندهی سفیان تسلیم گردد، آن‌گاه منتظر ظهور کسی باشید که در طور سینا از درخت با موسی سخن گفت (و بر طور یعنی نجف؛ زیرا همان‌گونه که از معصومین (علیهم السلام) روایت شده، طور به وادی السلام منتقل شده است) او به گونه‌ای نمایان و آشکار ظاهر می‌گردد که بیننده او را توصیف کند.... سپس امیرالمؤمنین که سلام و صلوات خداوند بر او باد گریست و فرمود: افسوس بر امت‌ها....» [847].

وهذا موجود في القرآن، فالله يتوفى الأنفس، وأيضاً عزرائيل، وأيضاً جند عزرائيل.

چنین معنایی در قرآن آمده است که خداوند، و همچنین عزرائیل، و نیز لشکر عزرائیل جانها را می ستانند:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا) ([848]).

(خدا جانها را به هنگام مردنشان می گیرد). ([852])

(وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ) ([849]).

(خدا شما را بیافرید، سپس می میراند). ([853])

(قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ) ([850]).

(بگو: فرشته‌ی مرگ که موکل بر شما است، شما را می میراند سپس به سوی

پروردگارتان بازگردانیده می شوید). ([854])

(وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ) ([851]).

(و اگر ببینی آن زمان را که فرشتگان جان کافران را می ستانند، و بر صورت و

پشتشان می زنند و می گویند: عذاب سوزان را بچشید). ([855])

وفي كل الأحوال إذا توفى الأنفس الملائكة، أو ملك الموت، فالمتوفى الحقيقي هو الله، وكذلك الحال هنا فإذا كان مكرم موسى هو علي (عليه السلام)، أو المهدي الأول، فالمكرم الحقيقي لموسى هو الله سبحانه.

در همه‌ی این احوال اگر فرشتگان یا ملک الموت جان‌ها را بستانند، ستاننده‌ی حقیقی همان خداوند است. در این جا نیز وضعیت به همین گونه است؛ اگرچه سخنگوی موسی حضرت علی (علیه السلام) یا مهدی اول است ولی سخنگوی حقیقی، خدای سبحان می‌باشد.



[835] - مریم : 52.

[836] - القصص : 30.

[837] - مریم : 52.

[838] - قصص : 30.

[839] - ابراهیم : 24. عن سلام بن المستنیر، قال: سئلت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول الله تعالى: (كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها)، فقال: (الشجرة رسول الله نسبه ثابت في بني هاشم وفرع الشجرة على وعنصر الشجرة فاطمة وأغصانها الأئمة ورفقها الشيعة وان الرجل منهم ليموت فتسقط منها ورقة وان المولد منهم ليولد فتورق ورقة. قال قلت له: جعلت فداك قوله تعالى: (تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها) قال: هو ما يخرج من الامام من الحلال والحرام في كل سنة إلى شيعته) بصائر الدرجات : ص 79 ح 2.

[840] - ابراهیم : 24. از سلام بن مستنیر روایت شده است: از اباجعفر (علیه السلام) درباره‌ی سخت خداوند عزوجل (كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا) (چون درختی پاک است که اصلش (ریشه‌اش) استوار و فرعش (تنه و شاخه‌هایش) در آسمان است * که به اذن پروردگارش هر زمان میوه‌اش را می‌دهد) سوال کردم، فرمود: «درخت، رسول خدا است که نَسَبش در بنی هاشم ثابت است، که تنه‌اش علی، ریشه‌اش فاطمه و شاخه‌هایش ائمه و برگ‌هایش شیعیان هستند که هرگاه یکی از آن‌ها بمیرد یکی از برگ‌هایش می‌افتد و با تولد یکی از آن‌ها بر درخت یک برگ می‌روید». به ایشان عرض کردم: فدایتان کردم! این سخن حق تعالی (تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا) (که به اذن پروردگارش هر زمان میوه‌اش را می‌دهد)؟ فرمود: «منظور آن‌چه در هر سال در خصوص حلال و حرام از امام صادر می‌شود می‌باشد». بصائر الدرجات: ص 79 ح 2.

[841] - بحار الأنوار : ج 13 ص 49.

[842] - بحار الأنوار: ج 13 ص 49.

[843] - وسائل الشيعة (آل البيت) : ج 13 ص 339.

[844] - وسایل الشیعه (آل البيت): ج 13 ص 339.

[845] - وفي هذا المعنى ما جاء عن رسول الله (ص) مع سلمان: (.. وإن هذا لكائن يا رسول الله؟ قال (ص): إي والذي نفسي بيده، يا سلمان عندها يتكلم الروبيضة، فقال: وما الروبيضة يا رسول الله فداك أبي وأمي؟ قال (ص): يتكلم في أمر العامة من لم يكن يتكلم، فلم يلبثوا إلا قليلا حتى تخور الأرض خورة، فلا يظن كل قوم إلا أنها خارت في ناحيتهم فيمكثون ما شاء الله

ثم ينكتون في مكنتهم فتلقي لهم الأرض أفلاذ كبدها - قال : ذهب وفضة - ثم أوماً بيده إلى الأساطين فقال: مثل هذا، فيومئذ لا ينفع ذهب ولا فضة، فهذا معنى قوله: فقد جاء أشراتها) بحار الأنوار : ج 6 ص 309.

[846] - معجم أحاديث الإمام المهدي (عليه السلام) : ج 3 ص 27.

[847] - معجم احاديث امام مهدي (عليه السلام): ج 3 ص 27.

[848] - الزمر : 42.

[849] - النحل : 70.

[850] - السجدة : 11.

[851] - الأنفال : 50.

[852] - زمر: 42.

[853] - نحل: 70.

[854] - سجده: 11.

[855] - انفال: 50.